

مطلب زیر قسمتی از مقاله "جهان در مقابل خطر یهود سالاری" نوشته کوروش عرفانی میباشد. بدلیل اهمیت شناخت افرادی که در شکل گیری مسایل جهانی دست دارند قسمت زیر را با اجازه نویسنده به آگاهی شما میرسانیم. اصل نوشته را میتوانید در لینک زیر مشاهده بفرمایید.

<http://www.koroshfani.com/neveshteha/Yahoudsalari.pdf>

ویراستار

برای اینکه بفهمیم چرا ایالات متحده ی آمریکا که از آن به عنوان قدرت نخست نظامی و اقتصادی جهان یاد می شود اینگونه گوش به فرمان اسرائیل عمل می کند و در همین چند روز اخیر از وتوی قطعنامه ی محکومیت دولت اسرائیل گرفته تا ارسال موشک و بمب و سوخت هواپیما به خدمت رسانی مشغول است، بد نیست به بررسی یکی از جنبه هایی بپردازیم که نشان می دهد ایالات متحده آمریکا چیزی نیست جز «مرکز پشتیبانی یهود سالاری جهانی»، یعنی کشوری که با تنها 5 درصد از جمعیت جهان و اختصاص 40 درصد از کل ثروت های جهان، به عنوان پایگاه اقتصادی، اطلاعاتی، امنیتی و نظامی سلطه ورزی یهودیان افراطی بر جهان عمل می کند. آمریکا در خدمت اسرائیل است زیرا حکومت ایالات متحده به تمامی در قبضه یهودیانی است که تمامی ارکان تصمیم گیری و قدرت را در اختیار دارند.

آمریکا در جنگ یهودیان

در مطلب زیر به معرفی برخی از چهره های شاخصی می پردازیم که در سال های اخیر ارکان مختلف قدرت مانند «شورای سیاست امنیتی» Center for Security Policy (CSP) را در قبضه خود دارند و در تمام تصمیم گیری های اساسی و استراتژیک دولت ایالات متحده ی آمریکا نقش مهمی ایفاء می کنند. این افراد که نسل شاگردان یهودیان با نفوذی چون کیسینجر هستند با اشغال پست های مهم امروز حکومت آمریکا را به ابزاری برای پیشبرد منافع تاکتیکی یا استراتژیک اسرائیل تبدیل کرده اند.



1- ابروینگ کریستول: Irving Kristol

در یک خانواده ی یهودی شهر نیویورک بدنیا آمد.¹ او را به عنوان پدر «نومحافظه کاری» می شناسند. وی عضو گروه «روشنفکران نیویورک» که بیشتر از مهاجران یهودی اروپای شرقی تشکیل شده، بوده است. کریستول چارچوب روشنفکری نومحافظه کاری را با بنیان گذاری و نوشتن مقالاتی در نشریاتی مانند «The national interest» و «The public interest» بنا نهاد. وی از بنیان گذاران مجله ی با نفوذ «امور خارجه» (foreign affairs) است. کریستول یکی از ارکان فکری موسسه ی آمریکن اینترپرایز «American enterprise» می باشد و کتاب های متعددی را از جمله «Neoconservatism» «The autobiography of an Idea» (نومحافظه کاری، اتوبیوگرافی یک نظریه) تألیف نموده است. وی پدر ویلیام کریستول، سردبیر نشریه «standard weekly» است. در سال 2002 بوش به کریستول مدال افتخار آزادی را اهدا کرد.



2- نرمن پدهرتز: Norman Podhoretz

وی نیز یهودی بوده و دوره های مذهبی یهودی را نیز دیده و از موسسه مذهبی [Jewish Theological Seminary](#) فارغ التحصیل شد. بین سالهای 1981 تا 1987 از مشاوران آژانس اطلاعاتی آمریکا بود.²

پدهرتز یکی از پایه گذاران نومحافظه کاری به حساب می آید. وی از سال 1990 تا 1995 سردبیر نشریه «commentary» بود که توسط کمیته یهودیان آمریکا منتشر می شد. وی اخیرا دارای تمایلات سیاسی لیبرال شده، اما در دهه 70 رویه ای مخالف داشته و عضو انجمنی که توسط سناتور هنری جکسون دموکرات پایه گذاری شد، بوده است. پدهرتز مولف 9 کتاب بخصوص درباره احیای یهودیت است. از جمله کتاب «Breaking Ranks» که در آن وی مدعی شده است که بقای اسرائیل یکی از اولویت های استراتژی نظامی آمریکا است. وی با یک منتقد اجتماعی به نام «دکتر میچ» که به لحاظ فکری نیز به او نزدیک است ازدواج کرده و هر دو با هم به تاسیس «committee on the present danger» در اواخر دهه 80 کمک کرده اند. پسر

¹ http://en.wikipedia.org/wiki/Irving_Kristol

² http://en.wikipedia.org/wiki/Norman_Podhoretz

پدھرتز به نام جان، یکی از نویسندگان «نیویورک پست» است. او نیز در سال 2004 جایزه ی مدال افتخار آزادی را از جرج بوش دریافت کرد.



3- پل ولفوویتز: Paul Wolfowitz

ولفوویتز نیز یهودی بوده³، پس از سه سال خدمت در پست معاون وزیر دفاع و طراحی جنگ عراق، در سال 2005 توسط جورج بوش برای ریاست بانک جهانی انتخاب شد.

وی از سال 1989 تا 1993 به عنوان مشاور سیاسی وزیر دفاع، هدایت یک تیم 700 نفره را که مسئولیت‌های اصلی در مورد شکل دهی استراتژی نظامی آمریکا در پایان جنگ سرد را بر عهده داشتند، به دست گرفت. وی در این مسئولیت، با همکاری «لونیس لایبی» در سال 1992 طرحی را ارائه کرد که خواستار تسلط نظامی آمریکا بر آسیا و اروپا و مقابله مقدماتی با کشورهای مظنون به تولید سلاح‌های کشتار جمعی بود. طرح وی پس از آنکه در رسانه‌های مطرح شد، چنان واکنش شک‌آوری را برانگیخت که وی مجبور به دوباره نویسی آن شد. این طرح به طور آشکار منافع آمریکا را با منافع استراتژیک اسرائیل هماهنگ می‌ساخت به طوری که در مواردی منافع اسرائیل بر موقعیت آمریکا ترجیح داده شده بود. پس از 11 سپتامبر بیشتر اعضای اصلی آن تیم سمت‌های کلیدی تهیه استراتژی امنیتی آمریکا در سال 2002 را بر عهده گرفتند. وی از حامیان اصلی طرح حذف عرفات بود.



4- ریچارد پرل: Richard Perle

پرل در یک خانواده یهودی در لس آنجلس زاده شد و به خاطر مواضع سرسختانه‌اش در رابطه با موضوعات مربوط به امنیت ملی مرتبط به مسلمانان و اعراب به «شاهزاده تاریکی» شهرت دارد، یکی از تاثیرگذارترین نومحافظه‌کاران به شمار می‌رود.

پرل یکی از اصلی‌ترین معماران برنامه «creative destruction» (تخریب سازنده) با هدف بازسازی ساختار خاورمیانه است که با حمله به عراق آغاز می‌شود. وی بخش‌های مهمی از این برنامه را در گزارش کلیدی که در سال 1996 برای حزب دست راستی لیکود اسرائیل تهیه کرد، بیان کرده بود.

پرل به تاسیس دو مرکز فکری بزرگ کمک کرده است: یکی مرکز سیاست امنیتی «The center for security policy» و دیگری موسسه یهودی برای امنیت ملی «The jewish institute for national security». وی همچنین در موسسه «American Enterprise» نیز عضویت دارد و علاوه بر اشتغال در سمت مشاور بنیاد ضد تروریستی دفاع از دموکراسی‌ها «Foundation for the Defence of Democracies»، یکی از مدیران روزنامه «اورشلیم پست» اسرائیل نیز هست. وی از مخالفان سرسخت کاهش قدرت اتمی آمریکا است و به شدت از حمله به تاسیسات نظامی کره ی شمالی دفاع می‌کند.



5- داگلاس فیث: Douglas Feith⁴

وی فرزند دالک فیث است که از یهودیان اسیر آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم بود. فیث در دولت ریگان نیز به عنوان دستیار وزیر دفاع در امور سیاست‌گذاری مذاکرات مشغول به کار بوده و پیش از آن نیز به عنوان مشاور مخصوص ریچارد پرل فعالیت داشته است. فیث قبل از ورود به پنتاگون به عنوان متخصص امور خاورمیانه در سال‌های 1981 و 1982 در شورای امنیت ملی حضور داشته است. وی به حمایت از حزب دست راستی لیکود اسرائیل شهرت دارد. او به همراه پدرش که در یک جنبش صهیونیستی جوان در زادگاهش یعنی لهستان فعالیت می‌کرد، از طرف سازمان صهیونیستی طرفداری از لیکود در آمریکا مورد تشویق قرار گرفت. وی در سال 1992 نایب رییس هیات مشاوران موسسه یهودی امنیت ملی بوده است. وی

³ http://en.wikipedia.org/wiki/Paul_Wolfowitz

⁴ http://en.wikipedia.org/wiki/Douglas_Feith

ریاست سابق مرکز سیاست امنیتی را بر عهده داشته و اکنون نیز یکی از مدیران این موسسه است. وی دارای یک کابینه خصوصی لوبینگ و وکالت است که به نفع منافع اسرائیل در آمریکا مشغول به کار می باشد.

وی از کسانی است که احمد چلبی را به دولت ایالات متحده معرفی کرد و از طریق او اطلاعات غلط فراوانی را به تصمیم گیرندگان آمریکایی تحمیل نمود. طرفداری او از اسرائیل چنان است که در یکی از جلسات کنفرانس رایس که در آن زمان به عنوان مشاور امنیت ملی عمل می کرد به او گفته بود: «تشرک دوگ (مخفف دوگلاس) اگر ما بخواهیم از نظرات اسرائیل با خیر شویم سفیر (اسرائیل) را فرا خواهیم خواند.»



6- لوئیس لایبی: Lewis "Scooter" Libby

لایبی نیز یهود می باشد.⁵ او مشاور امنیت ملی دیک چنی بود. وی در پست‌های متنوعی فعالیت داشته است. در دولت اول بوش، لایبی به عنوان معاون وزیر دفاع در سیاست‌گذاری‌های جنگ فعال بوده است. لایبی یکی از بنیان‌گذاران پروژه قرن جدید آمریکا «New American century» بوده و با همکاری پل ولفوتیز، ویلیام کریستول و رابرت کاگان گزارشی را در سال 2000 با عنوان «بازسازی استراتژی دفاعی آمریکا، نیروها و منابع برای قرن جدید»، تهیه کرد.

وی در سال 1992 یعنی زمانی که دیک چنی وزیر دفاع آمریکا بود، در تهیه طرح جنجال برانگیز ولفوتیز به عنوان «راهنمای سیاست‌گذاری دفاعی» با وی همکاری کرد. هم اکنون لایبی به عنوان مشاور مرکز مطالعات روسیه و آسیا - اروپا در بنگاه RAND فعالیت دارد.

وی به عنوان وکیل از یک یهودی دیگر به نام مارک ریچ که دزدی کلانی در دستگاه‌های مالی کرده بود دفاع کرد و در نهایت موفق شد در آخرین ساعات حکومت کلینتون برای مشتری دزد خود عفو ریاست جمهوری را بدست آورد. او همان فردی است که به طور غیر قانونی نام یک مامور سازمان سیا را که شوهرش ادعاهای پوچ دولت بوش درباره ی فعالیت‌های اتمی صدام در آفریقا را زیر سوال برده بود افشاء کرد.⁶



7- جان بولتون: John Bolton

برخی منابع جان بولتون را نیز دارای ریشه یهودی می دانند.⁷ برخی دیگر با ذکر مثال بولتون می گویند برای دفاع افراطی از یهودیان و اسرائیل نیاز به یهودی بودن نیست.⁸ واقعیت این است که حتی دولت بوش برای آنکه پیشنهاد رییس جمهور برای پذیرش بولتون به عنوان سفیر آمریکا مورد قبول کنگره و سنا قرار گیرد از سازمان‌های یهودی آمریکا کمک خواست.⁹ باید دانست که بولتون کسی است که قطعنامه سازمان ملل را که در سال 1975 صهیونیسم را به عنوان یک تئوری نژاد پرستانه محکوم کرده بود با تلاش فراوان در سال 1991 باطل کرد.

بولتون در فوریه 2005 به عنوان سفیر آمریکا در سازمان ملل انتخاب و از معاونت وزارت امور خارجه در امور کنترل تسلیحات به سازمان ملل منتقل شد. جان بولتون پیش از تصدی این پست در وزارت خارجه آمریکا نایب رییس موسسه نومحافظه کار «American Enterprise» بوده و در دولت‌های جورج بوش پدر و ریگان نیز سمت‌های مختلفی را بر عهده داشته است.

بولتون معمولاً ادعاهایی می‌کند که کاملاً توسط مجامع اطلاعاتی تایید نمی‌شود. وی در مارس ۲۰۰۲ در سخنرانی خود با نام «در پشت سر محور شرارت» سوریه، لیبی و کوبا را به عنوان کشورهایی که به دنبال ساخت سلاح‌های کشتار جمعی هستند معرفی کرد. در ژوئیه 2003 نیز CIA و سایر آژانس‌های اطلاعاتی به شدت ادعاهای بولتون در مورد پیشرفت سوریه در برنامه‌های تسلیحاتی را رد کردند.

وی عضو موسسه یهودی امور امنیت ملی (JINSA) (Jewish Institute for National Security Affair) می باشد.

⁵ http://en.wikipedia.org/wiki/I._Lewis_Libby

⁶ http://en.wikipedia.org/wiki/CIA_leak_grand_jury_investigation

⁷ <http://www.biblebelievers.org.au/bushlist.htm>

⁸ http://www.washington-report.org/archives/October_2003/0310018.html

⁹ <http://www.jewishaz.com/issues/story.mv?050624+bolton>

بولتون در اظهاراتی پیرامون کشتار مردم لبنان توسط جنایتکاران اسرائیلی چنین گفته است: «یک برابری اخلاقی میان تلفات مردم عادی که در حملات اسرائیل کشته می شوند و آنهایی که در اسرائیل به واسطه اعمال شرور تروریست ها کشته می شوند وجود ندارد.»¹⁰ حرفی به تمامی معنا نژاد پرستانه که هیچ اسرائیلی افراطی هم نمی توانست به این روشنی بیان کند. دولت اسرائیل به هنگام انتخاب بولتون به عنوان نماینده ی آمریکا در سازمان ملل گفته بودند که «اسرائیل حالا یک سخنگو دارد». وی از طرفداران برخورد نظامی با ایران و سوریه می باشد.



8- الیوت آبرامز: Elliott Abrams

وی در یک خانواده ی یهودی زاده شد.¹¹ آبرامز در فوریه سال 2005 به سمت معاون دستیار رییس جمهور و معاون مشاور امنیت ملی در استراتژی دموکراسی جهانی منصوب شد. وی از دسامبر 2002 تا فوریه 2005 به عنوان دستیار ویژه رییس جمهور و مدیر ارشد مطالعات خاور نزدیک و شمال آفریقا فعالیت داشته است. آبرامز فعالیت سیاسی خود را از همکاری با سناتور هنری جکسون آغاز کرد و در دولت ریگان، سمت های مختلفی را در وزارت خارجه بر عهده داشت. وی از سال 1990 تا 1996 عضو موسسه «Hudson» بوده و سپس ریاست مرکز سیاست عمومی و اخلاق را بر عهده داشته است. وی همچنین در سمت ریاست کمیته آمریکایی آزادی بین المللی ادیان نیز فعالیت کرده است. وی در جریان اقتضاح ایرن-کنترا دست داشت و در سال 1991 به خاطر افشای اطلاعاتی از درون کنگره آمریکا در مورد ایران گناهکار شناخته شد، ولی جورج بوش پدر، او را در سال 1992 عفو کرد. وی همچنین در جریان تحریف گزارش های مربوط به کشتار مردم السالوادور دست داشته است.

آبرامز در سال 1980 با دکتر راشل، دختر نرمان پدهرتز و دکتر میچ، ازدواج کرد. وی خواهان حل و فصل نظامی مشکلات خاورمیانه است و در این مسیر بکارگیری نیروی نظامی آمریکا را در جهت منافع نظامی اسرائیل سفارش می کند.



9- رابرت کاگان: Robert Kagan

کاگان که او نیز یهودی است¹² در زمینه استراتژی ایالات متحده و دیپلماسی قلم می زند. وی با همکاری ویلیام کریستول نومحافظه کار، پروژه «قرن جدید آمریکا» را در 1997 تهیه کرده و در سال 1998 نامه ای جنجال برانگیز را خطاب به کلینتون مبنی بر لزوم تغییر نظام حکومتی عراق منتشر کرد. او نیز از مشوقان لشکرکشی آمریکا به خاورمیانه در جهت تامین منافع اسرائیل بود.

وی پس از آنکه در سال های 1984 و 1985 نطق های وزیر امور خارجه وقت آمریکا را تهیه می کرد، توسط ایلویوت آبرامز در دفتر امور درون آمریکایی وزارت خارجه به کار گرفته شد. وی همچنین در نشریات «واشنگتن پست» و نشریه طرفدار صهیونیسم «weekly standard» نیز مقالاتی منتشر کرد.



9- مایکل لدین: Michael Ledeen

یهودی بوده و بسیاری او را رادیکال ترین نومحافظه کار آمریکا می دانند، مرتبا به کارل رو (karl Rove)، مشاور بلند پایه بوش، در امور مربوط به سیاست خارجی مشاوره می دهد. وی تنها کسی است که به طور تمام وقت در اختیار کارل رو بود.

لدین یکی از اصلی ترین طرفداران تغییر رژیم ایران است. وی در سال 2001 موسسه «اتحاد برای دموکراسی در ایران» را پایه گذاری کرد. هدف وی فراهم ساختن شرایط برای روی کار آمدن ایرانیان یهودی و نزدیک به اسرائیل می باشد.¹³ جمله ی معروف او این است: «تهران شهری است که منتظر ماست»¹⁴

¹⁰ http://en.wikipedia.org/wiki/John_R._Bolton

¹¹ http://en.wikipedia.org/wiki/Elliott_Abrams

¹² http://www.eilatgordinlevitan.com/kurenets/k_pages/kagan.html

¹³ http://www.larouchepub.com/other/2003/3027ledeen_iran.html

¹⁴ <http://www.counterpunch.org/hallinan05262004.html>

مایکل لدین در دولت ریگان به عنوان مشاور وزیر امور خارجه آمریکا فعالیت داشت و هم اکنون نیز در موسسه نومحافظه‌کار «American Enterprise» با ریچارد پرل همکاری نزدیکی دارد. وی همچنین یکی از بنیان‌گذاران و عضو «موسسه یهودی امور امنیت ملی» است. وی در فاصله سال‌های 1975 تا 1977 در مجله «New Republic» فعالیت داشته و سردبیر فصل نامه واشنگتن نیز بوده است. وی همچنین کتاب «جنگ علیه سرده‌های ترور» را تالیف کرده و در آن از ایده تغییر نظام سیاسی در عراق، سوریه و عربستان سعودی حمایت کرده است. وی از سردبیران نشریه «مجله ی جهانی یهود» (*Jewish World Review*) می‌باشد.

مایکل لدین کسی بود که به عنوان واسطه بین منوچهر قربانی فر و شیمون پرز برای برقراری ارتباط میان مقامات اسرائیل و جمهوری اسلامی عمل کرد. این ماجرا تحت عنوان ایران کنترا افشاء شد.



10 - ویلیام کریستول: William Kristol

ویلیام کریستول یهودی بوده و پسر بنیان‌گذار اندیشه نومحافظه‌کاری، یعنی ایروینگ کریستول، است. وی هم اکنون رییس پروژه «قرن جدید آمریکا» و سردبیر نشریه طرفدار صهیونیسم «weekly standard» است. ویلیام کریستول نیز مانند فرانک گافنی و الیوت آبرامز ابتدا کار سیاسی را با سناتور هنری جکسون دموکرات آغاز کرد، ولی در سال 1976 مشی سیاسی خود را عوض کرد و جمهوری‌خواه شد. وی در دولت‌های ریگان و جورج بوش پدر نیز سمت‌هایی را داشته است. کریستول از سال 1991 مرتباً خواستار تغییر رژیم صدام در عراق بوده و با همکاری «لورنس کاپلان» کتاب «جنگ علیه عراق: ستمگری صدام و وظیفه آمریکا» را تالیف کرده است. وی عضو هیات مشاوران «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، که پس از 11 سپتامبر به یکی از کانون‌های تولید اندیشه تبدیل شده، نیز می‌باشد. او از همکاران مستمر تلویزیون فاکس نیوز است که متعلق به روبروت مردوخ یک یهودی افراط‌گرای استرالیایی می‌باشد. کریستول حمله به لبنان را «جنگ ما» - یعنی جنگ ایالات متحده - دانسته است و از حمله ی اسرائیل به این کشور حمایت کرده است.¹⁵



12 - فرانک گافنی: Frank Gaffney Jr.

گافنی که یهودی می‌باشد، بنیان‌گذار و رییس موسسه پرنفوذ «مرکز سیاست امنیتی» که سیاست اعلام شده آن «حفظ صلح جهانی از طریق قدرت آمریکا» است، می‌باشد. یکی از مراکز تامین مالی مرکز وی بنیاد ایروینگ مسکوویتز بوده است که با تشکیل یک شرکت معاملات ملکی و با همدستی افراط‌گرایانی چون آریل شارون زمین‌های فلسطینی را در نزدیکی‌ها بیت المقدس به زور از چنگ فلسطینی‌ها درآورده و به یهودیان می‌فروخته است. وی پیوسته به عنوان مشاور و تحلیل‌گر در خدمت تشکل‌های لوبی یهود در آمریکا می‌باشد. او برای ریچارد پرل کار می‌کرده است و از حامیان اصلی راست افراطی اسرائیل در آمریکا است.¹⁶ وی در مقاله‌ای اخیراً گفته است که نابودسازی حماس در نوار غزه نه تنها امنیت اسرائیل که «امنیت جهان آزاد» و از جمله ایالات متحده را تامین می‌کند.¹⁷

وی در سال 1987 به عنوان دستیار وزیر دفاع در سیاست امنیت بین‌الملل در دولت ریگان انتخاب شد و سپس به عنوان دستیار وزیر دفاع آمریکا در زمینه دفاع در برابر نیروهای اتمی و سیاست کنترل تسلیحات زیر نظر ریچارد پرل فعالیت داشت. او در «واشنگتن تایمز» و مجله «Defence News» و نیز روزنامه «Investors Business» مقالاتی منتشر می‌کند. وی همچنین در شورای سردبیری نشریات الکترونیکی «National Jewish World Review» «National Jewish World Review» و نیز «worldnetDaily.com»، که هر سه از محافل نزدیک به صهیونیست‌ها هستند، نیز عضویت دارد.

وی همچنین یکی از 25 نومحافظه‌کار اصلی مشارکت‌کننده در تدوین پروژه «قرن جدید آمریکا» به شمار می‌رود. پروژه‌ای که به دنبال استقرار هژمونی آمریکا بر جهان از طریق تمامی امکانات و راه‌ها از جمله جنگ است. این پروژه که توسط لوبی یهودی در آمریکا تهیه شده است به دنبال آنست تا با استفاده از ابزارهای قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا در سراسر

¹⁵ http://en.wikipedia.org/wiki/William_Kristol

¹⁶ <http://rightweb.irc-online.org/profile/1183>

¹⁷ <http://www.jewishworldreview.com/cols/gaffney1.asp>

جهان و نخست در خاورمیانه دشمنان بالفعل و بالقوه ی اسرائیل را از بین ببرد و زمینه را برای برقراری علنی یهودسالاری بر جهان آماده سازد.¹⁸

با مشاهده ی این لیست در می یابیم که یهودیان تا عمق شاهراه های ساختار قدرت در ایالات متحده نفوذ کرده و آمریکا را به نوکری اسرائیل و یهودیان سوق می دهند. فراموش نکنیم بسیاری از چهره های شاخص حاضر در حکومت آمریکا دارای ریشه های یهود هستند مانند رونالد رامسفلد که از یک خانواده ی مهاجر یهودی آلمانی می باشد. پدر پدر بزرگ وی هانریش رامسفلد از منطقه ی برمن در شمال آلمان به آمریکا مهاجرت کرده بود. روند خدمت کشی اسرائیل از آمریکا با شرایط کمابیش مشابهی در سایر کشورهای بزرگ جهان بازتولید شده است از جمله در انگلستان، روسیه، فرانسه، آلمان...

خطر یهودسالاری را دریابیم

در بسیاری از کشورها و از جمله در ایران یهودیان با پذیرش ظاهری مذهب آن کشور ماهیت واقعی خود را پنهان کرده و با نفوذ به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن کشور زمینه را برای کنترل و سلطه ی بر سرنوشت آن کشور فراهم می کنند. نمونه ی مشخص آن در ایران قبل از انقلاب بود که بخش عظیمی از یهودیان و فراماسون ها مانند شریف امامی، هویدا، آموزگار، هژبر یزدانی، حبیب الله القانیان... زمینه های سقوط رژیم شاه را در زمانی که اسرائیل وارد فاز نوینی از حیات خود می شد و دیگر به یک ایران قدرتمند احتیاج نداشت آماده کردند. فراموش نکنیم که تعداد چند هزار افسر «ارتش ایران» در آستانه ی انقلاب به اسرائیل پناهنده شدند. پس از انقلاب نیز یهودیان پنهان یعنی آنوسی ها مانند اسدالله لاجوردی، حبیب الله عسگر اولادی تازه مسلمان، علینقی خاموشی، سعید امامی، عطالله مهاجرانی و ... مهمترین پست های کشور را در اختیار گرفته و بر ایران و ایرانی آن کردند که می شناسیم.

به عنوان نتیجه گیری باید بگوییم که توصیف نفوذ یهودیان آشکار و پنهان در جهان امروز کاری است که در حوصله ی یک نوشتار کوتاه از این دست نیست. اما همین چند مثال نشان می دهد که جهان با یک نیروی مخرب شرور مواجه شده است که به یک ایدئولوژی نژادپرستانه ی خطرناک مجهز است. صاحبان این اندیشه که مشروعیت غارتگری و جنایت ورزی خویش را از خدای جنایت پسندشان گرفته اند بدون کمترین رحم و مروتی به قتل، غارت و شرارت ادامه خواهند داد. تا زمانی که توده های ستمدیده ی جهان از خطر نابودسازی یهودسالاری آگاه نشده و به مقابله ی فعال با آن نپردازد نه خاورمیانه و نه دنیا رنگ صلح و آرامش به خود خواهد دید. این نظر ارتباطی با «تئوری توطئه» که خود روشنفکران یهودی در طرح آن و در لوئ کردن عمدی آن نقش داشته اند ندارد. واقعیتی است ملموس. کافی است قدری دقیق شویم و حضور یهودیان را در نهادهای قدرت سیاسی، اقتصادی و ارتباطاتی ببینیم. رقم دروغین 14-15 میلیون که برای اندک نمایی شمار کل یهودیان در سراسر جهان عنوان می شود چیزی نیست جز تلاشی شایدانه در پنهان کردن شمار واقعی میلیونی چند برابر این عدد. به دلیل پنهان کردن هویت یهودی خود، هیچ پژوهش گری نمی تواند رقم درستی از تعداد آنها در سراسر جهان ارائه دهد. اما حضور انبوه یهودیان تنها با در نظر گرفتن مورد کشورهای اروپای غربی به راحتی حکایت از دروغ بودن رقم ارائه شده توسط آنها می باشد. رقمی که یهودیان برای استراتژی مظلوم نمایی خویش به شدت به آن نیازمندند. این مظلوم نمایی در مواردی مانند هجوم ظالمانه ی سربازان آدمکش اسرائیلی به لبنان و فلسطین جایگاه و کارکرد واقعی خود را می یابد، در سایه این مظلوم نمایی نهادینه شده است که صهیونیست ها قادرند بدترین نوع وحشی گری را که از قوه ی تخیل بشر سالم به دور است، با خونسردی و بی توجه نسبت به عواقب آن، اجرا کنند.

پس، فراموش نکنیم که مبارزه ی با یهودسالاری هیچ تضاد و انحرافی نسبت به مبارزه ی با سرمایه داری، جامعه ی طبقاتی، امپریالیسم و ارتجاع ندارد. یهود سالاری تفکر ایدئولوژیک حاکم بر سرمایه داری طبقاتی است، سرمایه داری و صهیونیسم مکمل یکدیگرند و یکی بدون دیگری دوام نخواهد آورد. فراموش کردن هر یک از این دو یعنی محکوم به شکست ساختن مبارزه با دیگری. ارتجاع نیز تقاله ی صهیونیسم است. ارتجاع پاسخ دروغین به صهیونیسم است. این تنها مبارزه ای انسانی، آزادمنش و جهان شمول است که می تواند بشریت را از جنایتگری یهودسالاری، غارتگری سرمایه داری و کهنه گرایی ارتجاع رهایی بخشد. مبارزه با حاکمیت یهودیت سلطه گرا در ایران، خاورمیانه و جهان وظیفه ی هر انسان مبارز و آگاه می باشد. خطر یهود سالاری خطری است که بشریت را تهدید می کند، هشیار باشیم.

**

20/07/2006

www.koroshfani.com
koroshfani@yahoo.com

¹⁸ <http://www.newamericancentury.org/>